

آینده آمریکا و ۱۸ ژوئیه ۲۰۲۰ - شماره شش

نشان اہتزاز

Jeff Pippenger

2023-09-23

اور ساڑھے تین دن کے بعد خدا کی طرف سے زندگی کی روح اُن میں داخل ہوئی، اور وہ اپنے پاؤں پر کھڑے ہو گئے؛ اور جنہوں نے انہیں دیکھا اُن پر بڑا خوف طاری ہو گیا۔ اور انہوں نے آسمان سے ایک بلند آواز سنی جو اُن سے کہہ رہی تھی، یہاں اوپر آ جاؤ۔ پس وہ بادل میں آسمان پر چڑھ گئے؛ اور اُن کے دشمن انہیں دیکھتے رہے۔ مکاشفہ 11:11، 12۔

پس از آن کہ در کوچه پایمال شدند، ایلیا و موسی تسلّی دہندہ را دریافت می کنند و سپس بر پاہای خود می ایستند۔ استخوان های درہ حزقیال نخست آوازی می شنوند و سپس لرزشی را تجربه می کنند، اما ہنوز بی نفس بودند۔

پس من چنان کہ مأمور شدہ بودم، نبوت کردم؛ و ہنگامی کہ نبوت می کردم، آوازی برخاست، و اینک لرزشی پدید آمد، و استخوان ہا بہ ہم پیوستند، ہر استخوان بہ استخوان خویش۔ و چون نگریستم، اینک پی ہا و گوشت بر آنہا برآمد، و پوست از بالا آنہا را پوشانید؛ اما در ایشان نفسی نبود۔ حزقیال ۳۷:۷، ۸

ہنگامی کہ بدن ہا بازساختہ شدہ باشند، پیام چہار باد را می شنوند۔

سپس بہ من گفت: «بر باد نبوت کن، نبوت کن، ای پسر انسان، و بہ باد بگو: خداوند یہوہ چنین می فرماید: ای نفس، از چہار باد بیا و بر این کشتگان بدم تا زندہ شوند۔» پس چنان کہ مرا امر فرمودہ بود نبوت کردم، و نفس در ایشان داخل شد، و زندہ شدند، و بر پای ہای خود ایستادند، لشکری بسیار عظیم۔ حزقیال ۳۷:۹، ۱۰

تمام انبیا پایان جہان را مشخص می سازند؛ از این رو، این بخش از حزقیال برای کسانی کہ می خواهند از پیام دو نبی مکاشفہ یازدہ اجتناب کنند، معضلی پدید می آورد۔ البتہ، برای کسانی کہ می خواهند آن پیام را رد کنند، آسان ترین دروغی کہ می توانند بہ خود بگویند این است کہ مکاشفہ یازدہ صرفاً تاریخی است کہ نمایانگر انقلاب فرانسہ می باشد و هیچ کاربردی در پایان جہان ندارد۔ اما اگر این مقدمہ را بپذیرید کہ حتی مکاشفہ یازدہ نیز پایان جہان را مشخص می سازد، آنگاہ باید این واقعیت را با ہم سازگار کنید کہ لشکر عظیم در پایان جہان، کہ پیام فرشتہ سوم را با فریادی بلند اعلام می کند، پیش از آنکہ بہ عنوان لشکر خدا برخیزد، مردہ و سپس برخاستہ از مردگان معرفی شدہ است۔

پس او بہ من گفت: «ای پسر انسان، این استخوان ہا تمامی خاندان اسرائیل اند؛ اینک ایشان می گویند: استخوان ہای ما خشکیدہ است و امید ما از میان رفتہ؛ ما از ہم بریدہ شدہ ایم۔ پس نبوت کن و بہ ایشان بگو: خداوند یہوہ چنین می فرماید: اینک ای قوم من، من قبرہای شما را خواہم گشود، و شما را از قبرہایتان برخواہم آورد، و شما را بہ سرزمین اسرائیل خواہم آورد۔ و چون من قبرہای شما را گشودہ باشم، ای قوم من، و شما را از قبرہایتان برآورده باشم، خواہید دانست کہ من یہوہ ہستم۔ و روح خود را در شما خواہم نہاد، و زندہ خواہید شد، و شما را در زمین خودتان جای خواہم داد؛ آنگاہ خواہید دانست کہ من، یہوہ، سخن گفتہ ام و آن را بہ انجام رسانیدہ ام، یہوہ می گوید۔» حزقیال ۳۷:۱۱-۱۴۔

مسیح با ابری بہ آسمان صعود کرد و با ابرہا باز می گردد، و ابرہا نمایانگر فرشتگان اند۔ موسی و ایلیا در ابری کہ نمایانگر پیام فرشتہ سوم است، کہ در میان آسمان در ہنگام قانون یک شنبہ در ایالات

متحده پرواز می‌کند، به آسمان صعود می‌کنند. موسی و ایلیا در هنگام قانون یک‌شنبه، در ارتباط با پیامی از اسلام، به آسمان صعود می‌کنند.

اشعیا بسیاری از حقایق مرتبط با این تاریخ را مشخص می‌سازد، آن هم در همان فرازی که عیسی برای شناسایی کار خویش به آن استناد کرد. او از انبیا، ایلیا و الیشع، به‌عنوان نمونه‌هایی استفاده کرد از این‌که پیام نبوی از سوی هم‌وطنان خودشان پذیرفته نشد؛ و این سخن بی‌درنگ خشم اهل کنیسه در ناصره را برانگیخت و آنان در پی کشتن او برآمدند.

روح خداوند یهوه بر من است، زیرا خداوند مرا مسح کرده است تا به حلیمان بشارت دهم؛ او مرا فرستاده است تا شکسته‌دلان را التیام بخشم، و آزادی را به اسیران اعلام کنم، و گشایش زندان را به بندیان؛ تا سال مقبول خداوند و روز انتقام خدای ما را اعلام نمایم؛ تا همه ماتمیان را تسلی دهم؛ تا برای ماتمیان صهیون مقرر دارم که به ایشان به‌جای خاکستر، جمال بخشم، و به‌جای ماتم، روغن شادی، و به‌جای روح اندوه، ردای حمد؛ تا ایشان درختان عدالت نامیده شوند، غرس خداوند، تا او جلال یابد. و ایشان ویرانه‌های کهن را بنا خواهند کرد، خرابه‌های پیشین را برپا خواهند ساخت، و شهرهای ویران، یعنی ویرانی‌های نسل‌های بسیار را مرمت خواهند نمود. و بیگانگان خواهند ایستاد و گله‌های شما را خواهند چرانید، و پسران اجنبیان شخم‌زنان و باغبانان تاکستان‌های شما خواهند بود. اما شما کاهنان خداوند نامیده خواهید شد؛ مردم شما را خادمان خدای ما خواهند خواند؛ ثروت امت‌ها را خواهید خورد، و در جلال ایشان فخر خواهید کرد. به‌جای ننگ شما، نصیبی مضاعف خواهد بود؛ و به‌جای رسوایی، در بهره خویش شادی خواهند کرد؛ از این‌رو در سرزمین خود، دو چندان را به میراث خواهند برد؛ و شادی جاودانه از آن ایشان خواهد بود. زیرا من، خداوند، عدالت را دوست می‌دارم؛ غارت را برای قربانی سوختنی مکروه می‌شمارم؛ و کار ایشان را به راستی استوار خواهم ساخت، و با ایشان عهده‌ی جاودانه خواهم بست. و ذریت ایشان در میان امت‌ها معروف خواهد شد، و نسل ایشان در میان قوم‌ها؛ هر که ایشان را ببیند، ایشان را خواهد شناخت که همان نسلی هستند که خداوند برگزینان داده است. من در خداوند بسیار شادمان خواهم شد، جانم در خدایم به وجد خواهد آمد؛ زیرا او جامه‌های نجات را بر من پوشانیده، و ردای عدالت را بر من افکنده است، چنان‌که داماد خویشتن را به زیورها می‌آراید، و عروس خویش را به جواهراتش می‌آراید. زیرا همچنان‌که زمین جوانه خود را بیرون می‌آورد، و باغ آنچه را در آن کاشته شده است می‌رویاند، همچنین خداوند یهوه عدالت و حمد را در برابر همه امت‌ها خواهد رویانید.

.Por amor de Sión no callaré, y por amor de Jerusalén no descansaré, hasta que su justicia resplandezca como claridad, y su salvación como antorcha encendida. Entonces las naciones verán tu justicia, y todos los reyes tu gloria; y serás llamada por un nombre nuevo, que la boca de Jehová nombrará. Y serás corona de gloria en la mano de Jehová, y diadema real en la mano del Dios tuyo. Nunca más te llamarán Desamparada, ni tu tierra será jamás llamada Desolada; sino que serás llamada Hefzi-bá, y tu tierra, Beula; porque Jehová se deleita en ti, y tu tierra será desposada. Pues como el joven se desposa con la virgen, se desposarán contigo tus hijos; y como el esposo se regocija por la esposa, así tu Dios se regocijará por ti. Sobre tus muros, oh Jerusalén, he puesto guardas; todo el día y toda la noche no callarán jamás. Los que hacéis memoria de Jehová, no reposéis, ni le deis tregua, hasta que restablezca a Jerusalén y la ponga por alabanza en la tierra. Juró Jehová por su diestra y por el brazo de su poder: No daré más tu trigo por comida a tus enemigos, ni beberán los hijos del extranjero tu vino, por el cual has trabajado; sino que los que lo cosecharon lo comerán y alabarán a Jehová, y los que lo vendimiaron lo beberán en los atrios de mi santuario. Pasad, pasad por las puertas; preparad el camino al pueblo; allanad, allanad

la calzada; quitad las piedras; alzándolos a los pueblos. He aquí, Jehová hizo oír hasta lo último de la tierra: Decid a la hija de Sión: He aquí viene tu salvación; he aquí su galardón con él, y delante de él su recompensa. Y les llamarán Pueblo Santo, Redimidos de Jehová; y a ti te llamarán Ciudad Deseada, no desamparada. Isaías 61:1-62:12

خداوند با آن صد و چهل و چهار هزار که پیشتر «مترک شده» بودند، اما سپس «شهری» می‌گردند که «ترک شده» نیست، «عهدی جاودانه» می‌بندد. آنان «ویران» بودند و در کوچه بر خاک افتاده، مرده بودند. اشعیا ایشان را «کاهنان خداوند»، «خدامان» خداوند، «قوم مقدس» و «نگهبانان» بر دیوارهای صهیون معرفی می‌کند.

برخلاف کسانی که بر اجساد مرده ایشان شادمانی می‌کردند، خدا آنگاه بر ایشان شادمان می‌شود «چنان‌که داماد بر عروس شادمان می‌گردد.» عروس در آن هنگام آماده شده است. همان‌گونه که در وعده فیلادلفیا، خداوند به ایشان «نامی تازه» می‌بخشد، نام ایشان را نیز «حفصیابه» و «بعوله» معرفی می‌کند. حفصیابه یعنی «خشنودی من در اوست»، و بعوله یعنی «به زنی گرفتن». خداوند با کسانی که به وسیله ایلیا و موسی نمایانده شده‌اند، ازدواج می‌کند.

کاری که به آنان سپرده شده است این است که راه را برای بازگشت دوم مسیح آماده سازند، از راه موعظه «بشارت» مسیح و عدالت او «تا اقصای جهان». آنان در ریزش روح، به وسیله تسلی‌دهنده مسح شده‌اند و آنگاه «چون علمی» برافراشته خواهند شد، چنان‌که «آوازی عظیم از آسمان» «بدیشان» می‌گوید: «به اینجا صعود کنید». سپس ایشان در دست خداوند همچون «تاج جلال» و «افسر پادشاهی» خواهند بود. زکریا همین تاج را به عنوان علم نیز معرفی می‌کند، و در عین حال این رویداد را در زمان باران آخر نیز قرار می‌دهد.

اور خداوند خدای ایشان در آن روز ایشان را، چون گله قوم خویش، نجات خواهد داد؛ زیرا ایشان همچون سنگ‌های تاج خواهند بود که بر زمین او چون علمی برافراشته می‌شوند. زیرا نیکویی او چه عظیم است، و جمال او چه بزرگ! گله جوانان را شادمان خواهد ساخت، و شراب تازه دوشیزگان را. از خداوند در وقت باران آخر، باران بطلبید؛ آنگاه خداوند ابرهای درخشان پدید خواهد آورد و بارش‌های باران به ایشان خواهد داد، و به هر کس علفی در صحرا. زکریا 9:16-10:1.

ایشان «گله قوم او» خواهند بود؛ اما خداوند گله دومی نیز دارد که در آن هنگام هنوز در بابل‌اند و او آنان را نیز فرا خواهد خواند. کار ایشان این خواهد بود که ویرانه‌های «کهن» و «خرابی‌های» نسل‌های بسیار را بازسازی کنند. آنان کسانی خواهند بود که باز می‌گردند و راه‌های کهن را که در درون ادونتیسیم و بیرون از ادونتیسیم رد شده و پوشیده گشته‌اند، از نو برقرار می‌سازند. آنان به حقایق بنیادی میلری باز خواهند گشت و آنها را در خلوصشان به ادونتیسیم لاودیکیه عرضه خواهند کرد، و همچنین پیامی به کسانی که بیرون از ادونتیسیم‌اند درباره حقایق «کهن» مرتبط با شریعت خدا، به ویژه سبت، ارائه خواهند نمود. در انجام این کار، از تاریخ‌های نسل‌های بسیار برای به تصویر کشیدن تاریخ جدید بهره خواهند گرفت. کار ایشان در زمان باران آخر انجام خواهد شد، هنگامی که داورهای خدا در زمین جاری است. هنگامی که خداوند با دست راست خود ایشان را همچون علمی برمی‌افرازد، تمام جهانی که پیشتر بر پیکرهای مرده ایشان که در کوچه افتاده بود شادی کرده بود، آن علم را خواهد دید و شیپور هشدار دیدبانان را خواهد شنید.

اے دنیا کے سب باشندو اور زمین کے رینے والو، دیکھو، جب وہ پہاڑوں پر جھنڈا بلند کرے؛ اور جب وہ نرسنگا پھونکے، تو سنو۔ یسعیاہ 18:3.

در باب یازدهم مکاشفہ، ہنگامی کہ آنان کہ بر اجسادِ مردہ ایشان شادی می‌کردند، ایشان را دیدند کہ برخاستند، «ترس عظیمی بر آنان کہ ایشان را می‌دیدند، فرو افتاد.»

پس آشوری بہ شمشیری فروخواہد افتاد کہ از آن مردی زور آور نیست؛ و شمشیری کہ از آن مردی پست نیست او را خواہد بلعید؛ لیکن او از شمشیر خواہد گریخت، و جوانانش مغلوب خواہند شد. و از ترس بہ دژ خویش خواہد گذشت، و امیرانش از عَلمِ ہراسان خواہند شد، می‌گوید خداوند کہ آتش او در صہیون است و کورہ او در اورشلیم. اشعیا ۳۱: ۸، ۹

تمام گواہیاں جو نبیوں نے دی ہیں، کتابِ مکاشفہ میں یکجا ہو جاتی ہیں۔ اشوری دانی ایل باب گیارہ آیات چالیس تا پینتالیس کے شمالی بادشاہ کی نمائندگی کرتا ہے، جو اپنے انجام کو پہنچتا ہے اور اس کی مدد کرنے والا کوئی نہیں ہوتا۔ جب ایک لاکھ چوالیس ہزار، جو خدا کے نگہبان ہیں، نرسنگا پھونکیں گے تو ساری دنیا سینے گی اور خوف زدہ ہو جائے گی۔ وہ لوگ جن کی نمائندگی دو نبی کرتے ہیں، تسلی دینے والے کی طرف سے "مسح" کیے جائیں گے "تاکہ خوشخبری سنائیں"، اور یہی وہ "مشرق اور شمال کی خبریں" ہیں جو دانی ایل باب گیارہ آیت چوالیس میں شمالی بادشاہ کو "پیشانی" کرتی ہیں، اور یہی اتوار کے قانون کے بحران کی ایذا رسانی کے آغاز کی علامت ہے۔ اُس وقت غیر قومیں بابل سے نکل آنے کے پیغام کا جواب دیں گی، اور آ کر خداوند کے کاہنوں سے مل جائیں گی، جو "یسی کی جڑ" کے طور پر بھی پیش کیے گئے ہیں؛ یوں اس بائبل طرز کار کی نشان دہی ہوتی ہے جسے وہ غیر قوموں تک انتباہی پیغام پہنچانے کے لیے استعمال کریں گے۔

اور اُس دن یسٰی کی ایک جڑ ہوگی، جو قوموں کے لیے ایک جھنڈا بن کر قائم ہوگی؛ اُمّیں اُسی کی طالب ہوں گی، اور اُس کی آرام گاہ جلالی ہوگی۔ اور اُس دن ایسا ہوگا کہ خداوند دوسری بار پھر اپنا ہاتھ بڑھائے گا تاکہ اپنے لوگوں کے بقیہ کو، جو باقی رہ گئے ہوں، اسور سے، مصر سے، فتروس سے، کوش سے، عیلام سے، شنعار سے، حمات سے، اور سمندر کے جزیروں سے بازیاب کرے۔ اور وہ قوموں کے لیے ایک جھنڈا بلند کرے گا، اور اسرائیل کے جلاوطنوں کو جمع کرے گا، اور یہوداہ کے پراگندہ لوگوں کو زمین کی چاروں سمتوں سے اکٹھا کرے گا۔ یسعیاہ 11: 10-12۔

خداوند در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ قوم خود را با پیامی گرد آورد کہ حملہٴ اسلام را بہ عنوان فرارسیدنِ وای سوم شناسایی می‌کرد۔ خداوند بار دیگر، برای بار دوم، قوم خود را پس از آن کہ در کوچہ بر زمین افتادہ و مردہ بودند، جمع می‌کند۔ ہنگامی کہ چنین می‌کند، آنان کہ گرد آورده می‌شوند «رانده شدگان اسرائیل» و «پراکنده شدگان یھودا» شناخته می‌شوند۔ آنان در ۱۸ ژوئیهٴ ۲۰۲۰ بہ کوچہ‌ها افکنده شدند، اما برای بار دوم گرد آورده می‌شوند تا آن عَلمی باشند کہ گلہٴ دیگر خدا را، کہ هنوز در بابل هستند، گرد می‌آورد۔ گردآوری آنان کہ هنوز در بابل‌اند، از ہنگام قانونِ یکشنبہ در ایالات متحدہ آغاز می‌شود، کہ همان دومینِ دو صدا در مکاشفہ ہجده است۔

اولین گردہم‌آوری در ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ رخ داد، ہنگامی کہ اسلام بہ ایالات متحدہ ضربہ زد۔ آنان، بہ عنوان آن عَلمی کہ باید بار دوم گرد آورده شود، بہ صورت «ریشہٴ یسٰی» بازنمایی شدہ‌اند؛ نمادی کہ کار آلفا و اُمگا را بازمی‌نمایند و پایانِ یک چیز را با آغازِ یک چیز بہ تصویر می‌کشد۔ نخستین گردہم‌آوری با ضربہٴ اسلامی بر ایالات متحدہ نشان‌گذاری شد و حملہٴ اسلامی بر ایالات متحدہ را بہ عنوان گردہم‌آوری دوم بہ تصویر می‌کشد و معرفی می‌نماید۔ ہنگامی کہ ریشہٴ یسٰی بہ عنوان عَلمی برای امت‌ها برپا شود، «آرامگاہ» او پرچمال خواہد بود، زیرا آن عَلمِ کسانی را کہ هنوز در بابل‌اند بہ راہِ کهن کتاب مقدس سبتِ روز ہفتم باز خواہد گردانید؛ و بدین سان برافراشتہ شدنِ آن عَلم برای امت‌ها را در بحرانِ قانونِ یکشنبہ نشان‌گذاری می‌کند۔

.El «estandarte» experimenta primero un proceso de purificación que ha sido ilustrado en Malaquías capítulo tres, en las dos purificaciones del templo realizadas por Cristo y, por

supuesto, en la parábola de las diez vírgenes al final del movimiento millerita. El proceso de purificación al principio se repite hasta la última letra al final, y es representado por Isaías en relación con una tabla singular que ha sido señalada en un libro. La rebelión del adventismo es la tabla falsificada producida en 1863 para rechazar y reemplazar las dos tablas señaladas en el libro de Habacuc capítulo dos

اکنون برو و این را پیش روی ایشان بر لوحی بنویس، و آن را در کتابی ثبت کن، تا برای زمان آینده، تا ابدالآباد، باقی بماند: زیرا این قوم، قومی سرکش‌اند، فرزندان دروغگو، فرزندان که نمی‌خواهند شریعت خداوند را بشنوند؛ که به بینایان می‌گویند: «نبینید»؛ و به انبیا: «برای ما امور راست را نبوت مکنید؛ سخنان نرم برای ما بگویید، فریب‌ها نبوت کنید. از راه کنار روید، از طریق منحرف شوید، و قدوس اسرائیل را از پیش روی ما بردارید.» بنابراین، قدوس اسرائیل چنین می‌گوید: «از آنجا که این کلام را خوار می‌شمارید، و بر ظلم و کجی توکل می‌کنید و بر آن تکیه دارید، پس این گناه برای شما همچون شکافی خواهد بود که آماده فرو ریختن است، چون برآمدگی‌ای در دیواری بلند، که شکستنش ناگهان و در لحظه‌ای روی می‌دهد. و او آن را چنان خواهد شکست که ظرف کوزه‌گر در هم شکسته می‌شود؛ رحم نخواهد کرد؛ به‌گونه‌ای که در میان پاره‌های آن، سفالینه‌ای یافت نشود تا با آن آتشی از اجاق برگیرند یا آبی از حوضچه بردارند.» زیرا خداوند یهوه، قدوس اسرائیل، چنین می‌گوید: «در بازگشت و آرامی، نجات خواهید یافت؛ قوت شما در سکون و اعتماد خواهد بود؛ اما نخواستید. بلکه گفتید: «نه، بلکه بر اسبان خواهیم گریخت»؛ پس خواهید گریخت. و گفتید: «بر تیزروان سوار خواهیم شد»؛ پس تعقیب‌کنندگان شما تیزرو خواهند بود. هزار تن از شما از تهدید یک نفر خواهند گریخت؛ و از تهدید پنج نفر خواهید گریخت، تا آنکه همچون چوب نشانه بر فراز کوهی، و همچون عُلَمی بر تپه‌ای، باقی بمانید. و از این‌رو خداوند انتظار می‌کشد تا بر شما فیض فرماید، و از این‌رو برکشیده خواهد شد تا بر شما رحمت آورد؛ زیرا خداوند، خدای داوری است؛ خوشا به حال همه آنان که منتظر او می‌مانند. زیرا این قوم در صهیون، در اورشلیم، ساکن خواهند شد؛ دیگر هرگز نخواهی گریست. او به آواز فریادت یقیناً بر تو فیض خواهد نمود؛ چون آن را بشنود، تو را اجابت خواهد کرد.» اشعیا 30:8-19.

در سال ۱۸۶۳، ادونتیس فرایند ردّ پیام نبوی ویلیام میلر را، چنان‌که بر دو لوح مقدّس حقیق نمود یافته بود، آغاز کرد. عیسی پایان را با آغاز به تصویر می‌کشد. در این فراز، شورشیان آغاز ادونتیسم همچنین نمایانگر شورشیان پایان ادونتیسم هستند. در هر دو مورد، این شورش بیانگر ردّ پیام و روش‌شناسی نبوی هر یک از این ادوار تاریخی است، آنگاه که به «بینایان» می‌گویند: «نبینید؛ و به انبیا، برای ما سخنان راست نبوت مکنید؛ چیزهای نرم به ما بگویید، فریب‌ها را نبوت نمایید.»

آنان نیز آنگاه که اعلام می‌کنند: «از راه کنار روید، از طریق منحرف شوید، قدوس اسرائیل را از پیش روی ما بردارید»، بر آن می‌شوند که راه را ترک کنند. طریق عادلان همان «راه‌های قدیم» در ارمیا باب شش، آیات شانزده و هفده است. عاصیان مصمم‌اند که نه در حقایق بنیادی سلوک کنند و نه به صدای کرنا که دیدبانان برافراشته می‌نوازند گوش فرا دهند؛ دیدبانانی که نمایانگر جنبش میلری و جنبش Future for America هستند.

ایسا خداوند می‌فرماید: بر راه‌ها بایستید و بنگرید، و از راه‌های قدیم بپرسید که راه نیکو کدام است، و در آن سلوک نمایید؛ و برای جان‌های خویش آرامی خواهید یافت. اما ایشان گفتند: در آن سلوک نخواهیم کرد. و نیز دیدبانانی بر شما گماشتم که گفتند: به آواز کرنا گوش فرا دهید. اما ایشان گفتند: گوش نخواهیم داد. پس ای امت‌ها، بشنوید، و ای جماعت، بدانید که در میان ایشان چیست. ای زمین، بشنو: اینک من بر این قوم بلا خواهم آورد، یعنی ثمره اندیشه‌های ایشان را، زیرا به سخنان من گوش فرا ندادند، و شریعت مرا رد کردند. ارمیا ۱۶:۶-۱۹

امتناع المتمردين عن السلوك في السبل القديمة يُصور أيضاً على أنه رغبتهم في أن «يُزيلوا قدوس إسرائيل من أمامهم»، وهو يمثل رفض رسالة صراخ منتصف الليل، القائمة على أن الألف والياء يظهران نهاية الأذنتية بدياتها.

«در آغاز مسیر، در پشت سر آنان نوری درخشان برپا شده بود که فرشته‌ای به من گفت همان «فریاد نیمه‌شب» است. این نور در سراسر مسیر می‌تابید و پای‌های ایشان را روشن می‌ساخت تا مبادا بلغزند.»

«اگر چشمان خود را بر عیسی، که درست در پیش روی ایشان بود و آنان را به سوی شهر رهبری می‌کرد، ثابت نگاه می‌داشتند، در امان بودند. اما به‌زودی بعضی خسته شدند و گفتند که شهر بسیار دور است، و انتظار داشتند که پیش از آن داخل آن شده باشند. آنگاه عیسی با بالا بردن بازوی راست پرجلال خود ایشان را تشویق می‌کرد، و از بازوی او نوری برمی‌آمد که بر فراز گروه ادونت به اهتزاز درمی‌آمد، و ایشان فریاد می‌زدند: "هلولوپاه!" دیگران بی‌پروا نوری را که پشت سر ایشان بود انکار کردند و گفتند که این خدا نبود که آنان را تا این حد بیرون آورده بود. نور پشت سر ایشان خاموش شد و پاهایشان را در تاریکی مطلق فرو گذاشت، و ایشان لغزیدند و نشان و عیسی را از نظر گم کردند، و از راه به زیر، در جهان تاریک و شریر پایین، سقوط کردند.»
Christian Experience and Teachings of Ellen G. White, 57

فرایند تطهیری که با فریاد نیمه‌شب به تصویر کشیده شده است، دو طبقه از عبادت‌کنندگان را پدید می‌آورد؛ و اشعیا در باب سی، کمبود روغن باکره‌گان نادان را به‌صورت ناتوانی در برگرفتن آب یا آتش نشان می‌دهد، که هر دو نماد تسلی‌دهنده‌اند، آنجا که اشعیا می‌نویسد: «شکستن آن ناگهان در لحظه‌ای واقع می‌شود. و آن را چنان خواهد شکست که کوزه کوزه‌گر را که خرد خرد شده باشد می‌شکنند؛ رحم نخواهد کرد، به‌گونه‌ای که در میان قطعات آن، پاره‌سفالی یافت نشود تا با آن از آتش‌دان آتش بگیرند یا از حوض آب بردارند.» داوری ایشان «ناگهان» فرامی‌رسد، چنان‌که در فریاد نیمه‌شب باز نموده شده است، آنگاه درمی‌یابند که برای به‌دست آوردن روغن دیگر بسیار دیر شده است. آتش و آب در شهادت اشعیا، صرفاً بازنمایی دیگری از همان روغن در مثل ده باکره است. روغن و آب و آتش نمایانگر شخصیت‌اند؛ نمایانگر پیام نیز هستند و همچنین حضور تسلی‌دهنده را نشان می‌دهند. هیچ‌یک از این نمادها را نمی‌توان هنگامی به‌دست آورد که داوری ده باکره «ناگهان» در لحظه‌ای «فرامی‌رسد. در آن هنگام، دیگر بسیار دیر شده است.

تنها ایمنی در «بازگشت» است؛ همان وعده‌ای که به ارمیا داده شد، آنگاه که او نماینده کسانی بود که در نخستین نوبدی، نومید شدند. اگر قوم خدا به سوی او باز می‌گشتند، او نیز به سوی ایشان باز می‌گشت؛ اما عاصیان سر باز زدند و آن نوری که راه را روشن می‌ساخت، خاموش شد. نور آغاز، فریاد نیمه‌شب بود، و راه پیش رو به وسیله بازوی راست پرجلال مسیح، تا ابدیت، روشن می‌شد. مسیح در برابر کسانی که در آن راه بودند قرار داشت، و نور پشت سر نیز باید همان نور باشد، زیرا مسیح پایان راه را با آغاز راه ترسیم می‌کند. فریاد نیمه‌شب حقیقت حاضر بود و هست.

«مرا غالباً به مثل ده باکره ارجاع می‌دهند، که پنج تن از ایشان دانا بودند و پنج تن نادان. این مثل به دقیق‌ترین وجه، حرف به حرف، تحقق یافته است و تحقق خواهد یافت، زیرا کاربردی ویژه برای این زمان دارد و همچون پیام فرشته سوم، تحقق یافته است و تا پایان زمان همچنان حقیقت حاضر خواهد بود.» Review and Herald, August 19, 1890.

تمنای آنکه «قدوس» را از پیش روی خود بردارند، ردّ نه تنها مسیح، بلکه مسیح به‌عنوان الفا و امگا است. این، ردّ پیام نیمه‌شب است. پیام نیمه‌شب در آغاز آدونتیسم، اصلاح پیش‌گویی نافرجام بود.

باغیانی کہ «راہ‌های قدیم» را رد کردند، «مائدہ‌ای» جعلی پدید آوردند کہ از عادلان جدا بود؛ همان‌گونہ کہ در تحقق فریاد نیمہ‌شب در جنبش میلری نمایان شد. آنگاہ «ہزار نفر» «از نہیب یک تن» گریختند، و آن جنبش ناگہان از پنجاہ ہزار بہ پنجاہ تن کاهش یافت. آنان بہ سبب آن «نہیب» گریختند؛ نہیبی کہ از «پنج» باکرہ دانا آمد، کہ بہ ایشان گفتند روغنی برای بخشیدن ندارند، و ایشان باید بروند و روغن خود را بخرند. جدایی جاہلان از دانایان، باکرگان دانا را بر جا گذاشت «مثل نشانہ‌ای بر فراز کوہ، و مثل علمای بر تپہ‌ای». شورش باکرگان جاہل در ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴، شورش ۱۸۶۳ را بہ تصویر کشید، زیرا ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ آغاز آن نوزدہ سالی بود کہ نمایانگر پایان «ہفت زمان» در لایوان بیست‌وشش است. درباره این موضوع سخن بیشتری داریم، اما شورش ۱۸۴۴ نمونہ شورش ۱۸۶۳ بود و نقطہ‌ای را مشخص می‌کند کہ در آن مائدہ جعلی پدید آمد.

ترسی کہ باکرہ‌گان نادان تجربہ می‌کنند، همان ترسی است کہ در آن ہنگام بہ تصویر کشیدہ شدہ است کہ باکرہ‌گان دانا دوبارہ زندہ می‌شوند و بر پای‌های خویش می‌ایستند. در آن زمان، برای بازگشت از نومیدی ۱۸ ژوئہ ۲۰۲۰ دیگر بسیار دیر شدہ است، و رویداد بعدی کہ واقع می‌شود، عروج بہ آسمان است کہ در ہنگام قانون یک‌شنبہ رخ می‌دہد. آنگاہ است کہ زلزلہ‌ای عظیم بہ وقوع می‌پیوندد.

و در همان ساعت زلزلہ‌ای عظیم رخ داد، و یک‌دہم شہر فرو ریخت، و در آن زلزلہ ہفت ہزار تن از مردم کشتہ شدند؛ و باقی‌ماندگان ہراسان شدند و خدای آسمان را جلال دادند. وای دوم گذشت؛ و اینک، وای سوم بہ زودی می‌آید. مکاشفہ ۱۱:۱۳، ۱۴

مکاشفہ باب گیارہ اس امر کی نشان دہی کرتا ہے کہ فرانسیسی انقلاب کے دوران شہر کا دسواں حصہ گر پڑا، اور اس تاریخ میں فرانس کی قوم—ایک ایسی قوم جو دو نبوی سینگوں پر مشتمل تھی اور جس کی نمائندگی سدوم اور مصر کے طور پر کی گئی ہے—الٹ دی گئی۔ فرانس کے دو سینگ ریاستہائے متحدہ کے دو سینگوں کی تمثیل ہیں۔

فرانسہ نبوتی طور پر اُن دس سلطنتوں میں سے ایک تھا جو دانی ایل سات میں مشرکانہ روم کی نمائندگی کرتی ہیں، اور اس لیے سلطنت (شہر) کا دسواں حصہ گر پڑا۔ درحقیقت، دانی ایل سات کے اُن دس سینگوں میں سے، جنہوں نے بالآخر 538 میں پاپائیت کو زمین کے تخت پر بٹھایا، فرانسہ وہ بنیادی سلطنت تھا جس نے پاپائیت کو قائم کیا۔ دانی ایل سات کی دس قوتوں میں سے ایک ہونے کے باعث، فرانسہ مکاشفہ تیرہ کے دو سینگوں والے زمینی درندے کے کردار کی تمثیل پیش کرتا ہے۔ ریاست ہائے متحدہ آغاز میں فرانسہ نے پاپائیت کے لیے جو کام کیا تھا، انجام میں وہی کام سرانجام دیتا ہے۔ ریاست ہائے متحدہ اُن دس بادشاہوں میں نمایاں ترین قوت ہے جو اقوام متحدہ کی نمائندگی کرتے ہیں، اور اتوار کے قانون کے زلزلہ پر وہ گر پڑتا ہے۔ ہم ان آیات پر اگلے مضمون میں زیادہ تفصیل سے گفتگو کریں گے۔

یکی از مسائل اصلی این مقالہ آن است کہ این پیامی است کہ قوم خدا را بر پاہای ایشان برمی‌خیزاند؛ زیرا تسلّی دہندہ‌ای کہ آنان را بر پاہای خود برمی‌خیزاند، نمایانگر روغن است، و روغن نہ تنها نمایانگر روح القدس است، بلکہ نیز نمایانگر ارتباطاتی است کہ خدا برای قوم خود می‌فرستد. پیام مکاشفہ یازدہ کہ موسی و ایلیا را بر پاہای ایشان برمی‌خیزاند، ہمچنین با وعدہ‌ای کہ بہ ارمیا دادہ شد، بازنمودہ شدہ است.

پس خداوند چنین می‌فرماید: «اگر بازگردی، تو را باز خواہم آورد، و در حضور من خواہی ایستاد؛ و اگر گران‌بہا را از پست بیرون آوری، ہمچون دہان من خواہی بود؛ بگذار ایشان بہ سوی تو بازگردند، اما تو بہ سوی ایشان باز مگرد. و تو را برای این قوم دیواری برنجین استوار خواہم ساخت؛ و ایشان با تو خواہند جنگید، اما بر تو چیرہ نخواہند شد؛ زیرا من با تو ہستم تا تو را نجات

دھم و رھایی بخشم، خداوند می فرماید. و تو را از دست شیربان خواهم رھانید، و از دست
ھولناکان فدیہ خواهم داد.» ارمیا 21-15:19

اشعیاء نے بھی یہی اپیل کی تھی جب اُس نے کہا: ”کیونکہ خداوند خدا، اسرائیل کے قدوس، یوں فرماتا
ہے: رجوع کرنے اور آرام پانے میں تمھاری نجات ہوگی۔“ اشعیاء نے مزید کہا کہ یہ ”رجوع کرنا“ تمثیل کے
ٹھہرنے کے وقت کے ساتھ مربوط تھا، کیونکہ اُس نے لکھا: ”اور اِس سبب سے خداوند انتظار کرے گا تاکہ
تم پر فضل کرے، اور اِس سبب سے وہ سرفراز ہوگا تاکہ تم پر رحم کرے؛ کیونکہ خداوند انصاف کا خدا
ہے؛ مبارک ہیں وہ سب جو اُس کا انتظار کرتے ہیں۔“

امتیاز ”دھان“ خدا بودن، چنان کہ ارمیا آن را بیان می کند، امتیاز سخن گفتن از جانب خدا در زمانی
است کہ ایالات متحدہ ”ہمچون اژدھا سخن می گوید“۔ سخنانی کہ آنگاہ بہ وسیلہ قوم خدا گفتہ
خواہد شد، ہشدار بر ضد نشان وحش پاپی است۔ مشارکت در آن جنبش جلال آمیز مستلزم آن است
کہ بازگردیم۔

اگر تو بازگردی، ای اسرائیل، خداوند می فرماید، نزد من بازگرد؛ و اگر مکروہات خویش را از برابر
چشمان من دور سازی، آنگاہ آوارہ نخواہی شد۔ و قسم خواہی خورد کہ ”خداوند زندہ است“، بہ
راستی و بہ انصاف و بہ عدالت؛ و امتھا در او برای خویشتن برکت خواہند طلبید، و در او فخر
خواہند کرد۔ زیرا خداوند بہ مردان یھودا و اورشلیم چنین می فرماید: زمین شخم نخوردہ خود را
بشکافید، و در میان خارھا مکارید۔ خویشتن را برای خداوند مختون سازید، و غلفہ های دل خود را
دور کنید، ای مردان یھودا و ساکنان اورشلیم؛ مبدا غضب من چون آتش سر برآورد و بسوزد،
بہ گونہ ای کہ کسی نتواند آن را خاموش کند، بہ سبب شرارت اعمال شما۔ در یھودا اعلام کنید، و
در اورشلیم ندا دھید؛ و بگویید: کرنا را در زمین بنوازید؛ فریاد برآورید، گرد آید، و بگویید: جمع
شوید، و بہ شھرهای حصاردار برویم۔ عَلم را بہ سوی صھیون برافرازید؛ عقب نشینی کنید، درنگ
نمایید؛ زیرا من بلایی را از شمال، و ویرانی عظیمی را می آورم۔ شیر از بیشہ خود برآمدہ است،
و ہلاک کنندہ امتھا در راہ است؛ او از جای خویش بیرون آمدہ است تا سرزمین تو را ویران سازد؛
و شھرہایت خراب خواہد شد، بی آنکہ ساکنی در آن باشد۔ ارمیا ۴:۱-۷۔

لیکن خداوند کا روح جدعون پر نازل ہوا، اور اُس نے نرسنگا پھونکا؛ اور ابیعرز اُس کے پیچھے جمع
ہوئے۔ پھر اُس نے تمام منسی میں قاصد بھیجے؛ اور وہ بھی اُس کے پیچھے جمع ہوئے۔ اور اُس نے اشر،
زبولون، اور نفتالی کے پاس بھی قاصد بھیجے؛ اور وہ اُن سے ملنے کو اوپر آئے۔ قضاة 34:6، 35۔